

رودخانه ارس

و

رویداد های تاریخی

اطراف آن

تقلم؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

رحیم هویدا

(دکتر در جغرافیا)



پروفیسر شکیل احمد  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

## رودخانه ارس

و

## رویدادهای تاریخی اطراف آن

بقلم:

رحیم هویدا

(دکتر در جغرافیا)

سال ۱۵ هجری

در این سال برای اولین بار پای اعراب بدین مناطق رسیده است چنانچه بکر بن عبدالله یکی از صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم برای عبور قشون اسلام در ۵۰ ه. پل در حدود محلی بنام خدا آفرین در منتهی الیه شرقی ولایت دزمار ارسباران بر روی رودخانه ارس ساخته است فعلا نیز پل بنام پل خدا آفرین بر روی رودخانه ارس موجود است ولی بعید بنظر میرسد که این پل همان پل ساخته شده بوسیله بکر بن عبدالله باشد و شاید در جای همان پل بعدها پل ساخته و یا آنرا مرمت کرده باشند و چه بسیار پلها که فرماندهان هنگام لشکر کشی و عبور از این رودخانه ساخته و یا خراب کرده اند که ذکر آن در صفحات آتی خواهد آمد.

### سال ۱۱۲ هجری

در زمان خلافت هشام بن عبدالملک در سال ۱۱۲ هجری پادشاه قوم خزر از راه دربند و شیروان متوجه آذربایجان شده و با جراح بن عبدالله که از طرف خلیفه حکومت آذربایجان را داشت درجائیکه رودخانه ارس بارود-گر می‌پیوندد جنگی درمیگیرد و جراح با بسیاری از مسلمانان شهید میشود و سپس هشام بن عبدالملک سعد بن عمرو الجرشی را بجای وی معین کرد که خزرها را مغلوب ساخته است.<sup>۲</sup>

### سال ۱۵۸ هجری

در زمان خلافت منصور عباسی رواد بدعوت یزید بن حاتم که در آذربایجان والی بود ازری بدانجا آمد و از طرف یزید بن حاتم بحکومت بد، که در مغان فعلی و در کنار ارس و شمال شرقی اهر، قرارداد منسوب شد که بعدها بابک خرم دین شهر بد را مرکز خود قرارداد و فعلا از شهر بد اثری بجای نمانده است.<sup>۳</sup>

### سال ۲۲۲ هجری

در سال ۲۲۲ هجری که سال گرفتاری بابک بدست سهل بن سنباط است سهل صاحب ناحیه رود ارس بود و افشین بهمه دهقانان و کردان ارمنستان و بطریقان دستور داده بود که بابک را دستگیر سازند و با اینکه بابک جاهه عوض کرده بود سهل ویرا شناخته و در حوالی ارس او را دستگیر ساخته است.<sup>۴</sup>

### سال ۳۳۵ هجری

در حدود این سالها دیسم ابراهیم حکومت آذربایجان را داشته و در اردبیل بسر میبرده است و وقتی پسر عبدالرزاق با آذربایجان میرسد دیسم از اردبیل بیرون رفته و این شهر را بدو باز میگذارد و خود برای جمع آوری

۲- حبیب‌السیر ص ۸۱ جلد دوم

۳- تاریخ آذربایجان ص ۱۴۹

۴- کتاب بابک خرم دین تألیف مرحوم سعید نفیسی صفحه ۱۳۱

سپاه و گرفتن باج و خراج و تهیه پول و مال بورئان که در دو فرسخی ارس بوده می‌رود و در این ناحیه بحکومت می‌پردازد و چون پسر عبدالرزاق باردبیل می‌رسد وزیر خود ابو جعفر نام را که از خراسان آورده بود برای تهیه سپاهی و گرفتن مالیات و باج بیرخی نواحی می‌فرستد ولی ابو جعفر به نزد دیسم می‌رود و هر چه از سپاهی و مال گرد آورده بود بوی تسلیم می‌کند و پسر عبدالرزاق از شنیدن این خبر سخت دلگیر شده و دل از فرمانروائی آذربایجان کنده و به ری و سپس بخراسان بر می‌گردد و دیسم باردبیل باز گشته با استقلال بحکمرانی آذربایجان می‌پردازد و دیسم چون از کار پسر عبدالرزاق فارغ می‌شود به نخجوان می‌رود و فضل پسر جعفر حمدانی و ابراهیم پسر ضابی را که بدانجا دست یافته بودند و خود سران حکومت می‌کردند مغلوب ساخته و نخجوان و شهرهای تابعه را متصرف و آنانرا مغلوب می‌سازد و در این سفر بود که از رود ارس می‌گذرد و داستانی را که دیده بود روایت می‌کند بدین شرح که محمد بن زکریسای قزوینی در کتاب عجایب المخلوقات در نام بردن ارس شرح پائین را از زبان دیسم مینگارد :

( دیسم پسر ابراهیم خداوند آذربایگان گفت: با سپاه خود از روی پل ارس می‌گذشتم چون بمیان پل رسیدم زنی را دیدم که کودکی در قنداق در بغل داشت. ناگهان یکی از ستوران تنه‌ای با وزه بیانداخت و کودک از بغل او پرتاب شده چون فاصله از پل تا کف آب بسیار است پس از زمانی بآب رسید و غوطه‌ای خورد دوباره بالا آمد و از سنگهایی که در کف رود است آسیمی ندیده بود در این میان یکی از عقابها که بفروانی در کنار رود آشیانه دارند کودک را از روی آب بر بود و او در ننگ خویش راه بیابان پیش گرفت، من دسته‌ای را از دنبال فرستادم که چون عقاب در بیابان پائین آمده قنداق را پاره می‌کرد ایشان رسیده هیاهو کردند. عقاب کودک را گذارده پرواز کرد. اینان چون بکودک رسیدند زنده بود و گریه می‌کرد برداشته پیش مادرش آوردند. شهریاران گمنام تألیف مرحوم کسروی صفحه ۸۷)

### سال ۴۱۸ هجری

در حدود سال ۴۱۸ قزلون فرزند محمد دومین بنیان گذار شدادیان بر اران و بخش بزرگی از ارمنستان حکومت داشت و چهل و هشت سال فرمانروائی کرد و جنگهای بسیاری با ارمنیان و گرجیان نمود و آنانرا مغلوب خویش ساخت و سیصد هزار درهم بر ارمنیان باج گذاشته است و پهل زیبائی در سال ۴۱۸ هجری بر روی رودخانه ارس بست و مردم از او بسیار خوشنود بوده اند (تاریخ منجم باشی جلد دوم ص ۵۰۷)

### سال ۵۵۰ هجری

چون سلطان غیاث الدین محمد بن محمود سلجوقی باسلطنت رسید در اثر سعایت یکی از ندیمان خاص بیگ را که قبل از وی در زمان ملک شاه سمت صدارت داشت کشت و ابواب فتنه را بر روی خود گشود زیرا امراء آذربایجان پس از شنیدن قتل خاص بیگ سلیمان شاه بن محمد بن ملک شاه را پادشاهی برداشتند و چون سلطان محمد این خبر شنید بلاحفاظ قتل قشون باصفهان گریخت و سلیمان شاه در کمال استقلال به سلطنت نشست ولی او نیز در اثر تحریکات خوارزمشاه که حاجب وی بود شبانه گریخت و سلطان محمد دو باره بهمدان بازگشت و سلیمان شاه نیز از مقتضی خلیفه استمداد نمود و خلیفه بوی مساعدت کرد و اتابک ایلدگز نیز به سلیمان شاه پیوست و در کنار آب ارس میان ایشان و سلطان محمد جنگ سختی در گرفت و سلیمان شاه شکست خورده بموصل رفت.<sup>۵</sup>

### سال ۶۲۳ - ۶۲۸

از ۶۲۳ تا سال ۶۲۸ در گیری سلطان جلال الدین خوارزمشاه با گرجیان در شمال ارس و غلبه بآنان و سپس جنگ با بهرام گرجی و مغلوب ساختن او و رفتن شهر کاغذوان در شمال ارس میباشد و بعد در حدود سال ۶۲۸ قشون مغول در تعقیب سلطان جلال الدین بزنجان آمده سپس تا داشت مغان

۵ - حبيب السیر جلد ۲ ص ۵۲۸

او را تعقیب کرد سلطان جلال‌الدین شبانه از مهر که سلامت جسته بطرف نهر ارس می‌گریزد و خود را با رومیه میرساند. وزمستان ۶۲۸ را آنجا میگذراند.<sup>۶</sup>

### سال ۶۶۴

اباقای یا ابقافرزند هولاکوخان که از زن مسیحیه وی بنام دو قوز خاتون متولد شده بود پس از مرگ هولاکو بوسیله مادرش دو قوز خاتون جانشین هولاکو شد و برادر دیگرش یشموت هم بحکومت در بند و شیروان و دشت مغان و قراداغ منصوب گشت.

در اوائل سلطنت اباقاخان برکای پسر جوجی خان عده‌ای را بسرداری نوقای برای گشودن ولایات اران و آذربایجان میفرستد و ضمن جنگ نوقای از ناحیه چشم زخم برداشته و عقب‌نشینی میکند و این خبر بگوش برکای میرسد و خود شخصاً با لشکری جرار بمقابله شتافته و اباقا در اطراف دو نهر ارس و کورا بساختن استحکامات می‌پردازد ولی برکادر اثر قولنج فوت میکند. و سپاهیان‌ش بدون جنگ مراجعت میکنند.<sup>۷</sup>

### سال ۶۸۷

وقتی سلطان احمد جلایر خبر ورود سلطان بایزید و عادل آقا را می‌شنود از تبریز میگریزد و عادل آقا به تبریز میرسد و دو نفر بنام عباس آقا و مسافر نام را حاکم مرنند ساخته و محمد دواتی و فرابسطام را بکنار آب ارس میفرستد و ایشان پل ضیاء الملک را مرمت نموده و در آنجا می‌مانند.<sup>۸</sup>

### سال ۷۱۵

بفرمان اولجایتو در کنار نهر ارس در حدود مغان شهری بنام سلطان - آباد اولجایتو ساخته‌اند ولی از شهر مزبور فعلاً اثری دیده نمیشود.<sup>۹</sup>

۶ - تاریخ مفصل ایران - عباس اقبال ص ۱۲۰ تا ۱۲۷

۷ - تاریخ مفصل ایران عباس اقبال صفحه ۲۰۵

۸ - حبیب‌السیر جلد سوم صفحه ۲۴۷

۹ - تاریخ مفصل ایران - اقبال ۳۳۴

## سال ۷۳۶

ابوسعید بهادرخان ایلخانای پسر اولجایتو درازان بیمار شد و در سیزدهم ربیع الاخر ۷۳۶ در حدود شیروان در گذشت و جسد او را از رودخانه ارس گذرانیده باسلطانیه آوردند و در گنبدی که در آن حوالی ساخته بود بخاک سپردند.<sup>۱۰</sup>

## سال ۸۰۴

در سال ۸۰۴ هجری امیر تیمور در حدود یکماه در حدود نخجوان بوده و در موقع شکار چشمش به نهر خرابه میافتد که از رودخانه ارس منشعب بوده است و دستور میدهد از آب ارس نهری در مدت یکماه احداث می کنند که ده فرسخ طول داشته و آنرا بنام نهر برلاس اسم گذاری میکند.<sup>۱۱</sup>

## سال ۸۲۴ هجری

امیر بایستقر آق قوینلو چون اطلاع پیدا کرد که در اطراف رودخانه ارس قلعه ایست بنام بایزید که بینهایت محکم و دارای نفایس بیشمار و ذخایر بسیار است در سوم ماه جمادی الاولی ۸۲۴ از آب ارس گذشته و آن قلعه را تسخیر نمود.<sup>۱۲</sup>

## سال ۸۷۳ هجری

در لشکر کشی ابوسعید تیموری برای جنگ با اوزون حسن وی در زمستان با جهد و تلاش بسیار بدره ارس فرود آمد اوزون حسن مانع ورود قشون چغتائی و خراسانی به قرا باغ که دارای چمنهای زیاد بود شد و برای اینکه بمشکلات دشمن بیفزاید شیر و انشاه فرخ یار را مجبور کرد که پلهای رودخانه را ویران ساخته و از فروش غله بلشگریان ابوسعید مانع شود.<sup>۱۳</sup>

۱۰- حبیب السیر جلد سوم صفحه ۴۳۹

۱۱- حبیب السیر جلد سوم صفحات ۵۰۲ و ۵۱۹

۱۲- حبیب السیر ص ۶۰۹ جلد سوم

۱۳- تشکیل دولت ملی در ایران ترجمه جهانداری صفحه ۶۸



## سال ۹۰۲ هجری

احمد پادشاه معروف به احمد بیگ تر کمان از پادشاهان آق قویونلو فرزند اءورلو محمد بن امیر حسن بیگ پس از فوت عموی خود یعقوب میرزا از قرا باغ گریخته و بزوم رفت و پادشاه وقت بنام ایلدرم بایزید بلحاظ شجاعت و لیاقتش دختر خود را بمقد نکاح احمد پادشاه در آورد و احمد پادشاه با استظهار ایلدرم بایزید برای پس گرفتن ممالک موروثی خود عازم آذربایجان شد و این خبر بگوش عموزاده اش رستم بیگ فرزند مقصود بیگ بن امیر - حسن بیگ رسیده و بمقابله می پردازد و هر کدام بدون توجه از معبری از رودخانه ارس گذشته پس از طی مسافتی و اطلاع از خط سیر هر کدام با قشونهای خود مراجعت مینمایند و در کنار ارس بین طرفین جنگ سختی در گرفت که رستم بیگ بوسیله امرای خود دستگیر و پیش احمد پادشاه برده شد و در آنجا با کمان احمد پادشاه در کنار آب ارس بقتل رسید.<sup>۱۴</sup>

## سال ۹۰۵ هجری

چون شاه اسماعیل صفوی از تنبیه گرجیان و تسخیر قلعه منتش فراغت یافت عازم شیروان شد و مقرر داشت یکی از سردارانش بنام بایرام قرمانی با عده ای از سربازان تکلو و ذوالقدرلو قبل از ورود شاه اسماعیل از آب ارس گذشته و در آنسوی رودخانه بمراقبت از گذر گاه رودخانه ارس بنام قومین اولمی<sup>۱۵</sup> باشند تا شروانیان نتوانند مانع عبور قشون شاه اسماعیل شوند بایرام بیگ چون کنار آب ارس رسید بلحاظ زیادی آب قشون را دو قسمت نمود که با ترتیب دادن قایق و کلك از آنجا بگذرند در این موقع

۱۴ - حبیب السیر جلد ۴ ص ۴۴۲

۱۵ - اولوم Ouloume در اصطلاح محلی جایست که سواره یا پیاده میتوان از ارس گذشت. و در اینجا قومین باید غلط باشد و قوین یا قویون اولی صحیح بنظر میرسد یعنی جایکه گوسفندان از آن محل می توانند بطرف دیگر بگذرند بدون اینکه آنها را آب ببرد و البته قویون در ترکی بمعنای گوسفند است.

شاه اسماعیل سر رسید و با اسب وارد رودخانه شده با نظرف رودخانه رسید و با ملاحظه عبور شاه اسماعیل قشون نیز پشت سر او وارد رودخانه شده همگی بسلامت با نظرف ارس رسیدند.<sup>۱۶</sup>

### سال ۹۰۷

در سال ۹۰۷ که شاه اسماعیل در حوالی قلعه گلستان بسر میبرد قاصدی از طرف شیخ محمد خلیفه رسیده بعرض میرساند که امیرزاده الوند با سپاه بیستمار بقصد جنگ از تبریز به نخجوان آمده است و محمود قراجه را نیز با لشکریانی بطرف گنجه فرستاده تا از قوین<sup>۱۷</sup> الومی گذشته بولایت شیروان بیاید چون شاه اسماعیل این خبر را شنید حرکت نموده متوجه آذربایجان گردید و جوشن میرزا را مأمور تعمیر پل رودخانه ارس نمود و از جبری جواد که تکمیل شده بود گذشته در آن حوالی نزول اجلال فرمود.<sup>۱۸</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶- حبیب السیر جلد ۴ ص ۴۵۵

۱۷- قوین الومی بمنای جامی که گوسفند میتواند در آن محل رودخانه ارس بگذرد و قوین یا قویون در ترکی بمنای گوسفند است.

۱۸- احسن التواریخ روملوی ص ۵۷